

قرآن کریم چگونه کتابی است، کتابی اسرار آمیز، معماگونه، عجیب و رازآلود یا کتابی روشن و پر محتوا؟ حقیقت آن است که قرآن خود را کتاب هدایت و رستگاری می‌داند و پیوسته بندگان را به تلاوت و تدبیر در خود دعوت می‌کند. این دعوت قرآن، دعوت به تماشای حروف و کلمات نیست، بلکه فراخواندن به قرائت، تدبیر و توجه به انذارها و هشدارها است. قرآن احسن الحدیث است که جنبه معنایی و محتوایی آن مد نظر بوده است هر چند که ساختار لفظی آن نیز نموده‌های اعجاز را به وضوح در بر دارد:

اللَّهُ نَزَلَ حَسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُ مِنْهُ جُلُودَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودَهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ...» (زمر/۲۳)

«خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش در لطف و زیبایی و عمق و محتوا همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند افتد؛ سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود؛ این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند؛ و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود!»

قرآن خود را حکمت، علم، نور، ذکر، هدایت، موعظه، بلاغ، وسیله جدایی حق از باطل، شفای بیماری‌های قلبی، بیان هر چیز و وسیله خروج از تاریکی به نور می‌داند و تمامی این عناوین در پرتو توجه به محتوای قرآن و پیروی از رهنمودهای آن میسر می‌شود:

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲)
«آن کتاب با عظمتی است که شك در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است.»

شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ» (بقره/۱۸۵)

روزه، در چند روز معدود (ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است.»
«ان هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم» (اسراء/۹)

«این قرآن به راهی که استوارترین راههاست، هدایت می‌کند.»
«و لقد صرفنا في هذا القرآن ليعذروا و ما يزيدهم الا نفورا» (اسراء/۴۱)
«ها، در این قرآن، انواع بیانات مؤثر را آورديم تا متذکر شوند! ولی (گروهی از کوردلان، جز بر نفرتشان نمی‌افزاید.»
«و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين و لايزيد الظالمين الا خساراً» (اسراء/۸۲)

«و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم؛ و ستمگران را جز خسران) و زیان (نمی‌افزاید.»
«و انك لتلقى القرآن من لدن حكيم عليم» (نمل/۶)

«به یقین این قرآن از سوی حکیم و دانایی بر تو القا می‌شود.»
پوشیده نماند که یکی از وجوه اعجاز قرآن فصاحت و بلاغت آن است اما این دو نیز طریقی برای توجه هر چه فزون‌تر به حوزه محتوا و مفاد این کتاب آسمانی است. عربی بودن قرآن نیز در همین راستاست. قرآن فلسفه عربی بودن خویش را تدبیر و تأمل هر چه بیشتر بندگان می‌داند. چه اینکه زبان عربی قابلیت ظرفیت و انعطافی بسیار بالا دارد و دقایق و لطایف معانی را در قالب هیچ زبانی چونان زبان عربی نمی‌توان به مخاطب القاء نمود.

«اننا أنزلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون» (یوسف/۲)
«ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم. شاید شما درک کنید) و بیندیشید!»
در گستره آیات وحی نیز، حتی به گونه‌ای تلویحی، به کاوش‌ها و تأملاتی از این دست دعوت نشده ایم. بلکه می‌توان گفت به نقطه مقابل آن تشویق شده ایم. قرآن کریم در قصه زیبا و عبرت‌انگیز اصحاب کهف پس از ذکر داستان، اظهار تأسف می‌نماید که چرا مردمان به جای آن که به پیام اصلی و نخستین این قصه توجه کنند و دقایق و ظرایف موجود در راز خواب طولانی و بیداری شگفت‌انگیز ایشان را بیابند و به قدرت لایزال الهی که پس از خوابی‌گران آدمیان را در روز جزا بیدار و زنده خواهد نمود راه برند، خود را به مطالب حاشیه‌ای مشغول نموده‌اند و بر سر تعداد اصحاب کهف با هم جدال می‌نمایند:

«سيقولون ثلاثة رابعهم كلبهم و يقولون خمسة سادسهم كلبهم رجماً بالغيب و يقولون سبعة و ثامنهم كلبهم قل ربی اعلم بعدتہم ما یعلمہم الا قليل فلاتمار فيہم الا مرء ظاهراً و لاتستفت فيہم منهم أحداً...» (کہف/۲۲)

«گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود!» و گروهی می‌گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» - همه اینها سخنانی بی‌دلیل است - و گروهی می‌گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاه‌تر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی‌دانند. پس درباره آنها جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن!»

همین گونه در فرازی دیگر در مورد تعداد نگاهبانان دوزخ می‌فرماید: تعدادشان را نوزده قرار دادیم نه بدان جهت که اسرار و رموزی در این عدد نظر گرفته‌ایم بلکه تنها بدین منظور که چون و چرایی افراد بیمار دل و کافر را برانگیزیم و نیز ایمان مؤمنان را تقویت کرده باشیم.

«ما جعلنا اصحاب النار الا ملائكة وما جعلنا عدتهم الا فتنة للذين كفروا ليستيقن الذين اوتوا الكتاب و يزداد الذين آمنوا ايماناً و لا يرتاب الذين اوتوا الكتاب و المؤمنون و ليقول الذين فى قلوبهم مرض و الكافرون ماذا اراد الله بهذا مثلاً كذلك يضل الله من يشاء و يهدى من يشاء...» (مدثر/۳۱)

«مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب = یهود و نصاری [یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزایند، و اهل کتاب و مؤمنان] در حقانیت این کتاب آسمانی (تردید به خود راه ندهند، و بیمار دلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!») آری (این‌گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند!»

قرآن و علم

از جمله مباحثی که بر پایه فرهنگ الهی قرآن قابل طرح می‌باشد این واقعیت است که قرآن به حقایق مشخصی از خلقت اشاره کرده است که اخیراً به وسیله روش‌های علمی جدید مورد تصدیق و گواهی قرار گرفته است. این نظریه بر این پایه استوار است که قرآن دارای مبدا الهی است؛ زیرا که بدون در نظر گرفتن مبدئی الهی، چگونه حقایقی را بیان کرده است که مردم آن زمان کوچک‌ترین اطلاعی از آن نداشته‌اند و در زمره مجهولات تاریخی بشر بوده است؟ برای مثال، اگر قرآن يك وحی الهی نبود آیا می‌توانست حاوی چنین آیه‌ای باشد:

«أولم ير الذين كفروا ان السموات و الأرض كانتا رتقاً ففتقناهما و جعلنا من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون...» (انبیاء/۳۰)

«آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی‌آورند؟!»

قرآن به صراحت و یا به گونه ضمنی، به حقایقی که اندیشه بشر با آن سرو کار دارد به صورتی کاملاً روشن اشاره کرده است و بدین لحاظ ارتباط میان قرآن و علوم جدید، موضوع مهم بحث در میان روشنفکران مسلمان است.

تمدن رهاورد اسلام

جان داوِنپورت يك دانشمند پیشرو معتقد است:

«باید دانست که تمامی دانش‌ها مانند فیزیک، نجوم، فلسفه، ریاضیات که از قرن دهم شروع به رشد در اروپا کرد در اصل از مدارس عربی نشأت گرفته و عرب‌های اسپانیایی به عنوان پدر فلسفه اروپا شناخته می‌شوند.»

برتراند راسل، فیلسوف برجسته انگلیسی می‌نویسد:

«برتری شرق تنها نظامی نبود. علم، فلسفه، شعر و هنر همه در دنیای مسلمانان رشد کرد، در حالی که اروپا غرق در تاریکی و وحشی‌گری بود. اروپایی‌ها با کوتاه‌نظری غیرقابل بخششی این زمان را عصر تاریکی می‌نامند. اما واقعیت این است که تنها در اروپا این‌گونه بود - و مسلماً تنها اروپای مسیحیت چنین وضعی داشت چرا که اسپانیا که مسلمان بود فرهنگ درخشانی داشت.»

ساخت بشریت

کاملاً مشخص است که برای عرب‌ها، تمدن مدرن اروپایی هرگز نقش روشنگری نداشت، زیرا آنان از تمدن درخشانی برخوردار بودند. این امر به اروپا اجازه داد که تمامی مراحل تکاملی پیشین تمدن اسلامی را پشت سر گذارد به گونه‌ای که هیچ جنبه‌ای از رشد انسان وجود ندارد که تأثیر قطعی فرهنگ اسلامی در آن قابل ردیابی نباشد، حتی پیدایش قدرتی که نیروی ممتاز و برتر دنیای مدرن و دوره عالی پیروزی آن را به وجود آورد یعنی، علوم طبیعی و روحیه علمی، در اثر روحیه پرسشگری، روش‌های جدید تحقیق، همچون آزمایش، مشاهده، اندازه‌گیری و تکامل ریاضیات (به گونه‌ای که برای یونانیان

ناشناخته بود)، پدید آمد که توسط عربها به اروپاییان معرفی شد. در پنج قرن نخست به وجود آمد. این روحیه و روشها توسط عربها به اروپاییان معرفی شد.

تمدن درخشان اسلامی پیشرفت کرد تا زمانی که با فاجعه وحشتناک جنگهای صلیبی و حمله مغول رو به رو شد که همانند موجهای مخرب از شرق و غرب یکی پس از دیگری آن را در بر گرفتند. این فاجعه قرنها ادامه پیدا کرد تا اینکه حکومت اسلامی در بغداد از هم پاشید و تاریخ اسلام از اوایل قرن چهاردهم با ظهور ترکهای عثمانی وارد مرحله جدیدی شد. تمدن اسلامی هنوز قوی بود و تا قرن هجدهم هنوز در زمینههای نظامی و اقتصادی از غرب مسیحی بسیار پیشرفتهتر بود. هر چند از قرن شانزدهم به بعد در زمینه علوم عقب افتاد.

در قرن دهم قرطبه تحت حکومت اسلامی متمدنترین شهر اروپا و مایه تعجب و حیرت جهان بود. مسافران شمال با حسی آمیخته با ترس درباره شهری شنیده بودند که ۷۰۰ کتابخانه حاوی صدها هزار جلد کتاب و ۹۰۰ حمام عمومی داشت. هنوز هم حکام بارسلونا هرگاه احتیاج به جراح، معمار، خیاط یا موسیقیدان داشته باشند از اهالی قرطبه استخدام مینمایند. اعتبار ادبی اسلام به حدی بود که برای مثال در اسپانیا ترجمه انجیل و مناجات نامه به عربی، برای استفاده جمعیتهای مسیحی لازم تشخیص داده شد.

توضیحی که آوارو نویسنده مسیحی ارایه میدهد، به طور کاملاً روشن نشان میدهد که چگونه حتی اسپانیاییهای غیرمسلمان جذب ادبیات عرب مسلمان شدند: «هم مذهبان مسیحی من از شعرها و عاشقانههای عرب لذت میبردند. آنها کارهای فلاسفه و متخصصان الهیات مسلمان را مطالعه میکردند، نه برای اینکه آنها را درک کنند بلکه برای به دست آوردن یک روش عربی صحیح و برازنده. امروز کجا میتوان یک فرد عامی را پیدا کرد که تحشیههای لاتین کتاب مقدس را بخواند؟»

چه کسی را میتوان یافت که کتابهای مختلف انجیل عهد قدیم و جدید را مطالعه کند؟ دریغاً، جوانان مسیحی که استعدادهایشان کاملاً آشکار است هیچ اطلاعاتی درباره ادبیات و زبان عربی ندارند. آنها با اشتیاق کتابهای عربی را مطالعه کرده و کتابخانههای کاملی از آنها را با قیمتهای هنگفت جمع آوری میکنند و همه جا مدح دنیای عرب را میگویند.»

اگر هدف تحصیلات و ارزش تمدن در این باشد که حس غرور، شخصیت و اعتبار اشخاص را بالا ببرد به طوری که آنها وضعیت خود و در نتیجه جامعه را بهبود بخشند، تمدن اسلامی نشان داده که میتواند در این زمینه با ارزش باشد. شواهد زیادی به وسیله نویسندگانهای مختلف ارائه شده که نشان میدهد چگونه اسلام در انجام این امر برای مردم مختلف در نواحی مختلف موفق بوده است، برای مثال ایساک تاپلور در سخنرانی خود در همایش کلیسا در انگلستان درباره تأثیرات اسلام بر مردم میگوید:

«هنگامی که اسلام پذیرفته شد، الحاد، خرافات، کودکی و جادوگری ناپدید شد. پلیدی با پاکای جایگزین گردید و این تغییر جدید اعتبار شخصی و احترام به خود را به دنبال داشت. رقصهای بیشرمانه و آمیزشهای بی قاعده متوقف شد. عفت زنانه به صورت یک تقوا هدیه داده شد. صنعت، جایگزین بیکاری شد. متانت و هشیاری غالب آمد. دشمنی خونی و بدرفتاری با حیوانات و اسیران ریشه کن شد. اسلام فساد و خرافات را از میان برد.

اسلام قیامی علیه بحثهای توخالی بود. اسلام به اسیران امید، به بشریت برادری و به حقایق بنیادی طبیعت انسان یادآوری هدیه کرد. خوبیهایی که اسلام جایگزین کرد شامل اعتدال، پاکیزگی، عفت، عدالت، بردباری، شجاعت، نوعپرستی، مهماننوازی، صداقت و تسلیم است.

اسلام یک برابری کارآمد یعنی برابری اجتماعی همه مسلمانان را آموزش میدهد. بردهداری در آیین اسلام نیست. چند همسری مسأله پیچیدهتری است. حضرت موسی آن را نفی نکرد. حضرت داوود خود چند همسر داشت. چند همسری به طور مستقیم در کتب عهد جدید مسیحیان ممنوع نشده است. محمدصلی الله علیه وآله وسلم داشتن همسران بی شمار را محدود کرد. این بیشتر از اینکه یک قانون باشد یک استثنا است.

در تسلیم بودن در مقابل خواست خدای، اعتدال، عفت، صداقت و برادری، مؤمنان مسلمانان قوانینی دارند که باید از آنها پیروی کرد. اسلام مستی، زدی و فحشا را برانداخت که مصیبت سرزمینهای غربی است. اسلام بیشتر از مسیحیت به تمدن خدمت کرده است. غلبه آیین محمدصلی الله علیه وآله وسلم بر بیش از یک سوم دنیا یک معجزه بود.»

فلسفه طولانی شدن مقدمه مزبور با ذکر مواردی از رویکردهای جنجال برانگیز رایج در دنیای اسلام درباره ارتباط بین اسلام و علم رخ مینماید. برای

سالیان دراز حکومت اسلامی به حکومت برتر در علم و تکنولوژی مشهور بود که البته امروزه این شهرت به طرف حکومت‌های غربی متمایل شده است. بعضی از روشنفکران مسلمان خود اسلام را دلیل پسرفت مسلمانان می‌شناساند. آنها به گونه‌ای فکر می‌کنند و می‌نویسند گوئی تاریخ اسلام تنها از قرن ۱۸ شروع شده است. حال آن که آنان یازده قرن برتری اسلام را فراموش کرده‌اند. در ضمن، اشتباه اسفناک آنان این است که ارتباط بین علم و دین را منحصر به ارتباط بین علم و مسیحیت تعریف می‌کنند. آنها حتی زحمت مطالعه سطحی اسلام و تاریخ بلند آن را به خود نمی‌دهند. در مقابل این گروه، برخی از روشنفکران معاصر مسلمان تنها پس از مشاهده فجایعی که علم و تکنولوژی برای بشریت به ارمغان آورده است و کمبودها و مشکلاتی که تنها نتیجه رویکرد علمی است - مانند بمب‌های اتمی، کشتار دسته جمعی، آلودگی محیط زیست، از دست رفتن رویش‌های اخلاقی، آشفتگی روانی مدرن از آن رنج می‌برند و غیره - به دنبال حقیقت هستند.

چنین رویکردی تنها از آن روست که علم و تکنولوژی نتوانست برای بشریت خوشبختی بیافریند. آنان نیز مانند برخی از هم‌تایان خود آشکارا علم و تکنولوژی را محکوم کرده و رویکردی تنها ایده‌آل را قبول دارند.

مسیحیت و تغییر تفکر در غرب پس از آن که پس از سال‌ها جنگ و هزاران کشته، مسیحیت دین اصلی امپراطوری روم شد، خودش را در محیطی یافت که عیاشی و رفتارهای مادی‌گرا غالب، و دانش بشری مقدس بود. تعالیم مسیح که بعدها مسیحیت خوانده شد در جنگ با امپراطوری روم پیروز شد، اما به قیمت از دست دادن هویت و خلوص اصلی خود، به علاوه از میانه‌روی منحرف شد. انسان را متعلق به عشق الهی دانست و غریزه را به عنوان یک عالم جداکننده انسان از خدا محکوم کرد. همچنین تحت تأثیر برخی دین‌های خاور نزدیک مانند مهرپرستی و مانویت تبدیل به یک دین کاملاً عرفانی شد.

اما ماده یا غریزه در اسلام و هر دین فرو آمده از سوی خداوند به عنوان قلمرویی که در آن نام‌های زیبای خدا آشکار می‌شود یا قلمرویی که ذهن باید در آن بنگرد تا به قدرت خدا دست یابد و یا جایی که خودش انعکاسی از بهشت است، دیده می‌شود.

بی تردید این کلیسا بود که مسیحیت را به صورت قالبی که توضیح داده شد کل داد، و در پی آن؛ لشکرکشی قدرت جهانی خود را موازی با قدرت باطنی خود گسترش داد. در قرن‌هایی که غرب تحت حکومت کلیسا بود تمدن خیره‌کننده‌ای در شرق مسلمان بوجود آمد.

در نتیجه تماس غرب با این تمدن هنگام جنگ‌های صلیبی از طریق آندلس، غرب این فرصت را یافت که اطلاعاتی درباره عهد عتیق به دست آورد. فلسفه یونان به ویژه سیستم فلسفی ارسطو، طبیعت‌گرایی روم و همچنین لذت‌گرایی و عیاشی یونان به غرب راه پیدا کرده بود. ترجمه متون عربی و مرکز آموزش اسلامی در آندلس و سیسیل که سبب بیداری غرب از عهد عتیق شد همراه با حسادت غرب نیست به موفقیت شرق مسلمان زمینه‌های رنسانس را به وجود آورد. تفکرات غرب کاملاً تغییر کرد. دیواری آهنی که کلیسا بین رفتار غرب و اسلام طی قرن‌ها ساخته بود سبب شد که این تغییر علیه دین عمل کند.

کلیسا به دلیل بیم از کاستی و محو قدرت جهانی خویش به شدت با این تغییر مخالفت کرد. انجیل تحریف شده دیگر قادر به پاسخگویی به سؤالاتی در رابطه با خلقت و نظم جهان که به اذهان جست‌وجوگر می‌رسید، نبود. کتاب‌های عهد قدیم مسیحیت قرن‌ها قبل در طول حمله آشوری‌ها به بیت‌المقدس از بین رفته بودند. متونی که در دست بود به وسیله دانشمندان یهودی که مسلماً در ذهن مشکلاتی از جامعه یهود آن زمان داشتند نوشته شده بود. هیچ‌کدام از انجیل‌هایی که از بین سدها نمونه انتخاب شده و مشروع تلقی می‌شدند نسخه اصلی که خدا بر مسیح علیه السلام نازل کرده بود نبودند. افزون بر آن هیچ کدام از کتاب‌های عهد جدید اصول مسیح را ننوخته بودند. بنابراین زبان سمبلیک کتاب مقدس از دست رفته بود. برای مثال در توضیح خلقت، کتاب‌های عهد قدیم به هفت روز مثل روزهای جهان اشاره کرده بود:

«و در آنجا عصر بود و در آن صبح بود روز اول.»

تصور روزی مشتمل بر صبح و عصر متعلق به ماست که روی زمین زندگی می‌کنیم. قرآن نیز به روزها اشاره کرده است و اینکه خداوند جهان را در شش روز آفرید. اما هرگز به صبح و عصر اشاره نکرده است و روز را به عنوان دوره‌ای بیان می‌کند که طول آن برای ما مشخص نیست برای مثال این آیه‌ها:

«تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ»
(معارج/۴)

«فرشتگان و روح» = فرشته مقرب خداوند [به سوی او عروج می‌کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است!]
«و يستعجلونك بالعذاب ويلخفف الله وعده و ان يوماً عند ربك كألف سنة مما تعدون» (حج/۴۷)

«آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می‌کنند؛ در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد؛ و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمرید!»
يَكْدُبُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرَجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعْدُونَ» (سجده/۵)

«امر این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمرید بسوی او بالا می‌رود) و دنیا پایان می‌یابد.»
شکست مسیحیت و انجیل در پاسخ‌گویی به سؤالاتی که ذهن‌های پرسشگر غربی طرح می‌نمود سبب گردید که پیشرفت‌های علمی مسیر مخالف دین رویش گیرد. در نقطه مقابل، اسلام دینی را برای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها عرضه داشت. این دین مجموعه‌ای از ارزش‌ها را حتی در گستره دنیا دارا می‌باشد. در پرتو قوانین آن مسلمانان سراسر جهان نه تنها می‌توانند افتخارات معنوی را کسب نمایند بلکه می‌توانند بر فراز تمامی افتخارات دیگر نیز قرار گیرند و ثروت و سلامتی را نیز به دست آورند. روابط بسیار نزدیک و گسترده‌ای میان پزشکی نوین و برخی از تعالیم اسلام وجود دارد. هر کلمه از قرآن در واقع تجربه‌ای از واقعیت است و علم تنها تلاشی است برای رسیدن به واقعیت. دانش نامحدود است و انتهای آن با هر پیشرفتی برای کشف اطلاعات تازه پیوسته گسترده‌تری می‌شود و دانش قرآن متنی است جامع که تمامی بخش‌های علمی، مذهبی، تکنولوژی، کشاورزی، مهندسی و پزشکی را پوشش می‌دهد. بی‌تردید قرآن معجزه جاوید است که به دنیای دانش بشری معنی و مفهوم می‌بخشد.
«و نزلنا عليك الكتاب تبیاناً لكل شیء و هدی و رحمة و بشری للمسلمین...» (نحل/۸۹)

«ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است!»
قرآن یک کتاب پزشکی یا دارویی نیست، اما در آن رهنمودهایی در زمینه بهداشت و درمان بیماری‌ها موجود است. در آیات قرآن می‌خوانیم:
«أصابك من حسنة فمن الله و ما أصابك من سيئة فمن نفسك...» (نساء/۷۹)
«آری، آنچه از نیکی‌ها به تو می‌رسد، از طرف خداست؛ و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از سوی خود توست...»
آسیب‌شناسی بیماری می‌گوید که اعمال نفوذهای بر روندهای طبیعی منجر به پیامدهای غیرطبیعی می‌شود. بدن انسان را تا اندازه‌ای می‌توان با یک ماشین مقایسه کرد. یک دستگاه ضبط صوت قسمت‌های الکترونیکی و مکانیکی زیادی دارد اما زندگی با حرکت مدار الکترونیکی کار نمی‌کند. همچنین در اجزاء بدن انسان علاوه بر بخش‌های کالبدی و متغیر روح نیز وجود دارد. همانطور که برای مراقبت از یک ماشین باید آن را تمیز نگاه داریم، و لنتاژ مناسبی را برای آن فراهم آوریم و از آن به طور اصولی و با دقت استفاده نماییم، بدن نیز به تمامی این مراقبت‌ها نیاز دارد.

ایمان

ایمان به خدا اولین و اساسی‌ترین نیاز برای دوام روح است. ایمان به خدا عبارت است از ایمان به تمام صفات او، فرشته‌های او، کتاب او، روز قیامت، بهشت و جهنم و نیز ایمان به اینکه تمام خوبی‌ها و بدی‌ها در دسترس اوست. در زمان بیماری توجه انسان به خدا بیشتر می‌شود و انسان با درک ضعف‌های خود به خدا نزدیک‌تر می‌شود. بدون ایمان واقعی، نماز ما، نیکوکاری ما، روزه و حج ما پذیرفته نخواهد شد. اصل ایمان در این است که ما را از خداهای دروغین اطراف دور نماید و کسی را بجز خدای واحد پرستش نکنیم.

نماز

سه جنبه بهداشتی در نماز وجود دارد:
۱. وضو: شستشوی تمام قسمت‌های بی‌حفاظ بدن مثل دست‌ها، پاها، صورت، دهان، بینی و غیره پنج مرتبه در روز یک روند بهداشتی است. شستشوی دست‌ها مطلبی است که بارها و بارها در علم پزشکی برای جلوگیری از گسترش میکروب‌ها به آن تأکید شده است. به مسلمانان ۱۴۰۰ سال پیش شستشوی دست‌ها سفارش شده است و برای نظافت بیشتر انجام غسل هم به آنان سفارش شد.

۲. تلاوت قرآن: تلاوت قرآن تأثیر شفابخشی بر روی بدن، ذهن و قلب دارد. این تأثیر بدلیل اثر صدا (اکو) و معانی کلمات است. حرف «الف» همچون اکویی در قلب طنین می‌اندازد و حرف «یا» در مغز. *يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شَفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ...»* (یونس/۵۷)

«ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه هاست؛ (درمانی برای دل‌های شما؛) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان!»

۳. تمرین بدنی: حرکات در نماز بسیار ملایم و هماهنگ هستند و تمام ماهیچه‌ها و عضلات بدن را درگیر می‌کند. میزان کالری بدست آمده به حفظ تعادل انرژی کمک می‌کند. در هر رکعت ۲۰ کالری انرژی مصرف می‌شود. در سوره ماعون خداوند کسانی که نماز را سبک و سهل می‌شمارند مورد نکوهش قرار داده است.

همان‌گونه که سه بار در روز غذا مصرف می‌کنیم به ورزش هم نیاز داریم تا سطح کلسترول خون خود را که بعد از غذا افزوده می‌شود نیز کاهش دهیم و خون خود را غلیظتر کنیم تا شکاف در سرخرگ‌ها ایجاد نشود. افزون بر این در پرهیز از گناهان و افزایش حالت معنوی خودمان. نماز بهترین کمک حفظ سلامت بدنی است. نماز بدن ما را به حرکت وادار می‌کند، به هضم مواد غذایی کمک می‌نماید و با ورزش‌های متعادل و منظم ما را از بیماری‌های عضلانی و مفصلی محافظت می‌کند. نماز به جریان خون کمک کرده و نیز موجب کاهش اثرات بد کلسترول می‌شود. نماز نقش بسزایی در جلوگیری از حمله قلبی، فلج شدگی، پیری زودرس و دیوانگی و دیابت و بیماری‌های دیگر دارد.

بیماران قلبی بایستی به پنج بار در روز به خواندن نماز مجبور شوند البته هر زمان که دکتر آنان اجازه خروج از تخت را داده باشد. اجرای نماز به صورتی است که تمام ماهیچه‌های بدن را فعال می‌کند. گروه‌های مختلف ماهیچه‌ها در نماز بحرکت در می‌آیند. در هنگام سجده خون به مغز می‌رسد. یکی از روش‌های مفید برای تقویت ماهیچه‌های زانوویی کاهش کشش در مفاصل زانو است که در نماز این ورزش منظم بر روی ماهیچه‌ها تأثیر می‌گذارد.

قلب قلب اندام حیاتی بدن است که پیوسته باید در سلامت باشد تا جریان خون به خوبی انجام گیرد. بیماری‌های قلبی موجب کاهش سلامتی جسمی می‌شوند. این دانش که توسط پیامبر بزرگ اسلام ۱۴۰۰ سال پیش به ما گفته شده است پس از قرن‌ها دانشمندان به آن پی برده‌اند:

«قسمتی در بدن است که اگر سالم باشد تمام بدن را سالم نگه خواهد داشت ولی اگر این قسمت دچار نقصی شود تمام بدن بیمار خواهد شد. مطمئناً این قسمت قلب است.»

میان‌روی در صرف غذا
قرآن در آیه ۳۱ سوره اعراف می‌گوید:
يَا بَنِي آدَمُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»

«ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! (و) از نعمت‌های الهی (بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد!»

بی‌شک زیاده‌روی در خوردن غذا ریشه بسیاری از بیماری‌هاست و سبب پیری زودرس می‌شود. زیاده‌روی در خوردن سبب چاقی شده و نیز بدن را در معرض بیماری‌های خطرناکی چون دیابت، بیماری‌های عصبی، بیماری‌های قلبی و فلج قرار می‌دهد.

دیابت
دیابت در اثر کمبود انسولین بدن بوجود می‌آید. زیاد خوردن سبب می‌شود سلول‌های خاص پانکراس زیادتر از حد معمول کار کنند و قادر به تأمین انسولین مورد نیاز نباشند. بدین‌ترتیب آن سلول‌ها خسته شده و تحلیل می‌روند و سبب کمبود انسولین می‌شوند.

فلج، بیماری‌های عروق کرونر قلب و پیری زودرس

فلج شدگی نتیجه طبیعی انسداد سرخرگ در مغز می‌باشد و در قلب موجب ضایعه میوکاردیال می‌شود. پیری زودرس نیز زمانی رخ می‌دهد که اکثر سرخرگها در بدن دچار انسداد شده باشند. تری گلیسیرید و کلسترول در سرخرگها مستقر می‌شوند. زیاد خوردن سبب افزایش سطح کلسترول خون می‌شود. گوشت خوک و گوشت گاو حاوی کلسترول بالایی است در حالی که گوشت پرندگان حاوی کلسترول بسیار اندکی است. قرآن اشاره کرده است که گوشت پرندگان یکی از غذاهای بهشتی است.

در قرآن بارها به زیتون اشاره شده است و آمار نشان می‌دهد که حملات قلبی بیشتر در شمال ایتالیا رخ می‌دهد که مردم از کره و مارگارین برای پخت و پز استفاده می‌کنند ولی در جنوب ایتالیا که معمولاً از روغن زیتون استفاده می‌کنند حملات قلبی هم کمتر است. بیمارانی که از انسداد عروق کرر رنج می‌برند معمولاً بعد از يك وعده غذایی سنگین دچار حمله قلبی می‌شوند.

مواد غذایی حرام

۱. خون

هرگاه خون به روده برسد با باکتری‌های موجود در آن ترکیب شده و مادی سمی چون آمونیاک تولید می‌کند که برای کبد ماده‌ای سمی است. بنابراین خداوند خوردن و آشامیدن خون را برای ما حرام کرده است و روشی برای ذبح حیوانات را به ما توصیه کرده است.

۲. گوشت خوک

دو کرم مضر در بدن خوک زندگی می‌کند. یکی «تاینیا سولیوم» است که به مغز راه می‌یابد و موجب بیماری صرع می‌شود. دیگری «تریچینلا سپیرایس» است که به ماهیچه و مغز رفته و سبب تورم ماهیچه و درد در آنها می‌شود و آن نیز سبب صرع می‌شود. گوشت خوک حاوی چربی و کلسترول بسیاری نسبت به دیگر گوشتها می‌باشد.

۳. الکل

بیماری‌هایی که الکل می‌تواند باعث آنها شود عبارتند از مشکلات گوارشی، زخم معده، سرطان معده، سیروز کبدی، کمبود ویتامین و بیماری‌های قلبی.

روزه

روزه در اسلام به عنوان راهی برای تمرین فکر و بدن در خویشتنداری است. «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» (بقره / ۱۸۳)

«ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید.» بنابراین در یک روز روزه نه تنها از خوردن غذا، نوشیدن چای و سیگار کشیدن باید اجتناب کنیم بلکه از لذت جنسی نیز باید پرهیز کرد. در واقع روزه نه تنها زمینه استراحت برای معده را فراهم می‌آورد بلکه ترشح هورمون‌های کنترل کننده رفتار را نیز ثابت می‌کند.

خداوند به مخلوقاتش عشق می‌ورزد به گونه‌ای که حتی به آنچه که باید بخوریم و در بدن خود جای دهیم نیز توجه کرده است. ماهیچه‌ها، استخوان‌ها، ریه‌ها، کبد، مغز و غدد ما از مواد خامی که می‌خوریم درست شده‌اند. اگر بدن را با مواد خام بیهوده‌ای در نظر بگیریم این مواد قادر به ایجاد استخوان‌هایی محکم، ماهیچه‌ای قوی و قلبی خوب و رگ‌هایی منظم نخواهد شد. «یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً...» (بقره / ۱۶۸)

«ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید!» خوردن گوشت مرده، گوشت خوک، و خون و مسکرات حرام است. خون و گوشت حیوانات مرده مملو از میکروبها و دیگر آنتی‌بادی‌های مضر می‌باشد. گوشت خوک حاوی کلسترول بسیار بالا و نمک فراوان و گاهی کرم می‌باشد. الکل و دیگر مسکرات موجب مختل شدن ذهن ما شده و مانع از قضاوت درست درباره خوب و بد می‌شوند.

بخشی مهمی از حقیقت تغذیه، اعتدال در خوردن مواد غذایی حلال می‌باشد. در حالی که چاقی مشکل نخستین جهان امروز است میلیون ها نفر در جهان از سوء تغذیه رنج می‌برند. خداوند میانه‌روی در مصرف مواد غذایی را توصیه فرموده است.

«و کلوا و اشربوا و لا تسرفوا إنه لا یحب المسرفین» (اعراف / ۳۱)
«و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.»

«كلوا من طيبات ما رزقناكم و لا تطغوا فيه فيحلّ عليكم غضبي و من يحلل عليه غضبي فقد هوى» (طه / ۸۱)
«بخورید از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوط می‌کند!» انواع غذاهایی که در قرآن به آنها به طور خاص اشاره شده عبارتند از:

«و من ثمرات النخيل و الاعناب تتخذون منه سكرأ و رزقأ حسناً إن في ذلك لآية لقوم يعقلون» (نحل / ۶۷)
«و از میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات (نپاک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید؛ در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که اندیشه می‌کنند!»
میوه‌ها دارای کالری کم، ویتامین‌ها، مواد معدنی و فیبرهای فراوانی هستند. میوه‌ها حاوی فروکتوز هستند. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که فروکتوز سبب افزایش قند خون نمی‌شود. بلکه فروکتوز بیشتر سبب کاهش قند خون در دیابت می‌شود.

نقش ورزش در حفظ سلامتی
اگر چه در قرآن در مورد ورزش مطلب چندانی نمی‌یابیم اما در زندگی پیامبر پیشنهادات فراوانی شده است. او به مسلمانان توصیه کرده تا به فرزندان خود شنا، تیراندازی و سوارکاری بیاموزند. خود او با گام‌های سریع راه می‌رفت با دست‌های خود زیاد کار می‌کرد چه در منزل و در آشپزخانه و چه با یارانش در جمع‌آوری هیزم برای آتش و یا برای جنگ با دشمن.
متأسفانه زنان و مردان مسلمان کم‌تحرک هستند و بدلیل مصرف زیاد مواد نشاسته‌دار، چاقی سبب کم‌تحرکی آنها شده است. مسلمانان چه زن و چه مرد همیشه باید در وضعیت بدنی مناسبی باشند تا در زمان صلح یا جنگ بتوانند در راه خدا جهاد کنند.

وضعیت بیماری
بدن سالم یکی از هدایای خداوند است. ما هم باید امانت‌دار باشیم. باید از سلامتی خود به خوبی بهره بگیریم. ما باید ماشین حساس و ظریف خود را در وضعیتی بسیار خوب نگه داریم تا در این دنیا از رحمت خداوندی برخوردار شویم.

بسیاری از بیماری‌های مزمن مانند بیماری‌های قلبی، بیماری‌های عصبی، دیابت، بیماری‌های پوستی، چاقی و افسردگی در اثر رعایت نکردن بعضی موارد توسط خود فرد بوجود می‌آیند. از جمله این موارد مصرف مواد غذایی فراوان و نمک فراوان، شکر زیاد، کشیدن سیگار و استرس و الکل می‌باشد.
ما با دانش خود را در زمینه بهداشت و بیماری و داروها و اثرات جانبی آنها گسترده کنیم. این دانش گرچه ما را پزشک متخصص نمی‌کند، اما با استفاده از آن می‌توان از بروز بیماری جلوگیری نمود، چون با بروز علائم، بیماری را خیلی سریع تشخیص می‌دهیم، در جست‌وجوی راه درمان آن برمی‌آییم و سپس مسیر بیماری را کنترل می‌کنیم و برای درمان آن اقدام می‌نماییم.
در زمینه معرفی تکنولوژی جدید در پزشکی در سطوح حفظ سیستم‌های حفاظتی حیات، پیوند اعضا، پدر و مادر شدن با تکنیک‌های زیستی، سندرم نقص ایمنی اکتسابی (AIDS)، سؤالات جدیدی وجود دارد که دورنمای اخلاق پزشکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بیماران مسلمان، خانواده‌هایشان و پزشکان‌شان به بهره‌گیری از علم رایج و دیدگاه اسلام در این سطوح نیاز دارند.

اوتانازی (مرگ از روی ترحم) جانشین سقط مادران، ایدز
«تبارك الذی بیده الملك و هو علی كل شیء قدير» * الذی خلق الموت و الحیاة لیبلوكم ایكم احسن عملاً و هو العزیز الغفور» (ملك / ۱-۲)
«پر برکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دولت اوست، و او بر هر چیز تواناست. آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید، و او شکست‌ناپذیر و بخشنده است.»
ابداع تکنیک‌های مدرن پزشکی سؤالات پیچیده‌ای را برای مسلمانان مطرح نموده است، پاسخ دادن به آنچه آنها در جست‌وجوی آن هستند یک ضرورت است.
مسلمانان به دو گروه تقسیم می‌شوند، یکی گروه آموزش دیده و مدرن که هر چیزی را که به علم و انسانیت خدمت کند بی‌توجه به اینکه مذهب یا قوانین اخلاقی زیرپا گذاشته می‌شود می‌پذیرند، گروه دیگر دانشمندان اسلامی هستند که علم اسلامی را دارند اما علم پزشکی ندارند. آنها سریعاً در مورد هر چیزی نظرشان را بیان می‌کنند. اگر چه به هر دو گروه باید متذکر شد که اسلام مذهب عقاید شخصی نیست.

و «ما كان لمؤمن و لامؤمنة اذا قضى الله و رسوله امرأ ان يكون لهم الخيرة من امرهم و من يعص الله و رسوله فقد ضلّ ذللاً مبيناً» (احزاب / ۳۶)
«هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!»
مسلمانانی که در یک جامعه پیشرفته غربی زندگی می‌کنند نمی‌توانند دور از مسایلی که در اطراف آنهاست باقی بمانند. همه فاکتورهایی که بر غیر مسلمانان تأثیر می‌گذارد، دیر یا زود، مستقیم یا غیرمستقیم روی آنها نیز تأثیر می‌گذارد.

سؤال اساسی در اخلاق پزشکی این است که چه کسی مرگ و زندگی می‌دهد؟ آیا بشر مرگش را کنترل می‌کند یا دیگر انسان‌ها؟
بشر هم اکنون فکر می‌کند که قادر است زندگی را ایجاد کند یا از بین ببرد یا ادامه دهد.

آیا پزشکان به مخلوقات خدا خدمت می‌کنند یا خودشان به عنوان خدا عمل می‌کنند؟ بنابراین قرآن قوانین اصلی بشری‌اش را یادآوری می‌کند:
«او لم یر الانسان انما خلقناه من نطفة فاذا هو خصيم مبين. و ضرب لنا مثلاً و نسى خلقه قال من يحيى العظام و هى رميم. قل يحييها الذى انشأها اول مرة و هو بكل خلق عليم» (يس / ۷۷-۷۹)
«آیا انسان نمی‌داند که ما را از نطفه‌ای بی‌ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و عور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست! و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوان‌ها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟!» بگو: «همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین‌بار آن را آفرید؛ و او به هر مخلوقی داناست!»».

حقیقت مرگ و زندگی

مراقبت از بیماران در حال احتضار بسیار گران تمام می‌شود میلیون‌ها دلار برای حفظ بیماران حساس در سطح زندگی گیاهان در ICU ها صرف می‌شود مفهوم اوتانازی (مرگ از روی ترحم) دوباره زنده شده است در ۲۳۰۰۰ □ ۱۹۷۸ نمونه در هلند اتفاق افتاد چه کسی تصمیم می‌گیرد که سیستم‌های حفظ حیات باید متوقف شود، تعریف مرگ چیست؟ آیا ادامه زندگی موجه است؟ آیا توقف سیستم‌های حفظ حیات و عمل ترحم یک تصمیم پزشکی یک قتل و یا فقط یک تصمیم اقتصادی است؟

اسلام بر این باور نیست که تمديد زندگی هر کس برای فاصله بین دو زندگی ایجاد می‌شود. دانشمندان باید کمک کنند اما نباید جایگزین خدا در ایجا مرگ بشر باشند. قوانین اسلامی از رحم مادر شروع شده و به مرگ و آرامگاه ختم می‌شود. اسلام تأکیدات زیادی روی حرمت و تقدس زندگی و سرانجام مرگ دارد.

«من قتل نفساً بغير نفس او فساداً فى الارض فكانما قتل الناس جميعاً و من احياها فكانما احيا الناس جميعاً...» (مائده / ۳۲)
«هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.»
و «ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله...» (آل عمران / ۱۴۵)
«هیچ کس، جز به فرمان خدا، نمی‌میرد.»

پزشکان و خانواده‌ها باید حدود و محدودیت‌هایشان را بشناسند و برای اقدامات شجاعانه جهت یک بیمار محتضر و یا ادامه زندگی به طور معمولی تلاشی غیرمعقول روا ندارند. اقدامات شجاعانه در شروع زندگی (مانند نجات نوزاد نارس) ممکن است از پایان دادن به چشمه زندگی موجه‌تر باشد اگر چه هر نمونه‌ای شرایطی اختصاصی دارد.

اسلام به طور قاطع با اوتانازی (مرگ از روی ترحم) مخالفت می‌کند و آن را قتل می‌داند. میان استفاده از تفنگ توسط شوهر برای کشتن همسرش و استفاده از سرم توسط پزشک برای کشتن بیمارش فرقی نیست. هر دو سلاح‌های مرگ هستند و آنچه که اهمیت ندارد قصد کشنده است.

پیوند اعضا

امروزه جایگزینی اعضای معیوب توسط اعضای سالم از افراد زنده، جسد و یا از منابع حیوانی کاملاً ممکن است، چنان که مغز استخوان، کلیه، معده، لوز المعده، قلب و سلول‌های عصبی به مکان دیگری پیوند زده می‌شوند. تنها مسأله محدودیت در قیمت و یا موجود بودن (در دسترس بودن) اعضا مطرح است.
سؤالات اخلاقی بسیاری در مورد فرد زنده دهنده، جسم مرده و گیرنده عضو پیوندی وجود دارد:

آیا برای ادامه زندگی فرد گیرنده، بیرون آوردن اعضای يك مرده درست است؟
 آیا فروش اعضای بدن قابل توجیه است؟ آیا گرفتن اعضای بدن حیوانات قابل توجیه است؟
 آیا پذیرش اعضای بدن جنین سقط شده قابل توجیه است؟ آیا ارزش و قیمت عضو پیوندی برابر فایده ای که از آن می رسد هست؟
 سؤال اساسی این است که مالک اعضای بدن ما کیست؟ ما، خانواده مان و یا خالق مان؟
 الف) پیوند اعضای حیوانی به انسان: اگر می توانیم آنها را برای خوراک مان بکشیم پس اجازه داریم گوشت بدن شان را جزء جسم خود مان کنیم.
 ۱/ الف) فرد زنده به زنده: این مانند يك بخشش بدون بها است، و فروش ممنوع است.
 ۲/ الف) فرد مرده به زنده: این مورد وقتی منجر به بی حرمتی به بدن مرده شود اجازه داده نمی شود.

سقط جنین

پیرامون سقط جنین پرسش فراوان است:
 آیا سقط جنین برابر قتل است؟ چه موقع جنین زنده است؟
 چه کسی قوانین را حفظ می کند؟
 آیا هر دو والد (پدر و مادر) حقوق یکسانی در زندگی جنین دارند، اگر زندگی موهبتی الهی است چه کسی می تواند زندگی ما را از بین ببرد؟
 آیا کشتن يك نوزاد، يك فرد مسن و بیمار در حال احتضار یکسانند؟
 با حاملگی هایی که نتیجه زنا است چه باید کرد؟
 نقش متخصصان زنان و مامایی مسلمان چیست؟
 آیا فروش جنین سقط شده برای پیوند بافتها و اعضا یا پوست ظریفشان برای ساخت فرآورده های آرایشی قابل توجیه است.
 اسلام سقط جنین قابل بقا و زیست را به عنوان بچه کشی مورد رسیدگی و نهی قرار می دهد مگر در مواردی که برای نجات جان مادر باشد در این موقعیت هر تلاشی برای نجات جان هر دو بایستی صورت گیرد. زندگی جنین به عنوان يك سلول بسیار زود در ۴ هفته شروع می شود. حرکات در ۴ ماهگی شکل می گیرد. بر طبق احادیث در چهار ماهگی فرشته ای با جنین ملاقات کرده و روح را به آن می دمد. این موضوع با شروع اولین حرکات بدن جنین منطقی است. قابل زیست بودن جنین از لحاظ پزشکی با توسعه علم دوران پس از تولد (نئوناتولوژی NEONATOLOGY) پیشرفت کرده است کوچکترین کودک، در سن ۵/۳ ماهگی نجات یافته است.

«ولا تقتلوا اولادکم خشية املاق نحن نرزقهم و ایاکم ان قتلهم کان خطأ کبیرا» (اسراء / ۳۱)

«فرزندانتان را از ترس فقر نکشید! که ما آنها و شما را روزی می دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است.»

«و لا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم و ایاهم ولا تقرّبوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذلكم وصاکم به لعنکم تعقلون» (انعام / ۱۵۱)

«و فرزندانتان را از (تس) فقر، نکشید، ما شما و آنها را روزی می دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد و چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر به حق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید!»
 «و اذا المؤمنة ودة سئلت بائ ذنب قتل» (تکویر / ۸-۹)
 «و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود: به کدامین گناه کشته شدند؟!»

مشرکان که امروز زن را آزاد گذاشته اند، نوزادانشان را برای ترس از نیازمندی و فقر نمی کشند یا بخاطر شرمساری از تولد يك دختر، اما به طور نسبی از زندگی آزاد جنسی لذت می برند خداوند به آنها یادآوری می کند که:
 «الذین اتخذوا دینهم لهوا و لعباً و غرتهم الحیوة الدنیا فالیوم ننسأهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بآیاتنا یجدون» (اعراف / ۵۱)
 «همانها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند؛ و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت؛ امروز ما آنها را فراموش می کنیم، همانگونه که لقای جنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند.»

ساز و کار زیستی در تولید مثل

عمل لقاح و میل زن و شوهر به داشتن فرزند از خودشان يك مشکل جدید نیست اگر چه این تکنیک های جدید پیچیدگی های نوین را حل کرده، هم اکنون و به کمک تکنولوژی لقاح يك تخم بیرون از رحم و تزریق اسپرم به رحم از شوهر

یا یک داوطلب مرد دهنده مشاهده می‌شود. سلول تخم یک زن را برای لقاح آن با اسپرم شوهرش و تزریق آن برای جایگزینی در رحم زن دیگر در لابراتوار جداسازی می‌نمایند. ب

بایستی دید:

الف) آیا ازدواج پیمانی قانونی بین زن و مرد است یا پیمان مقدس بین دو نفر که خدا شاهد و گواه آن است؟

ب) آیا کودک متولد شده، از یک ازدواج قانونی بی‌عیب است یا ازدواجی ظاهری؟

ج) در این موارد پدر خوانده کیست؟ آیا او قانوناً پدر کودک شناخته می‌شود؟

د) در این مورد مادر خوانده واقعی کیست؟ کسی که از سلول تخم او استفاده شده، یا کسی که اجازه استفاده از رحم‌اش را می‌دهد؟

ه) آیا اجازه رحم برای این هدف اجازه داده شده است؟

و) آیا این درست است که یک زن متأهل یا مجرد می‌تواند در هر حال به طور تکنیکی یک کودک داشته باشد. اگر او اجازه دهد که سلول تخم با اسپرم‌های متفاوتی بارور شده و هر ماه در رحم‌های اجاره‌ای جایگزین شود این او را از دردهای حاملگی، زایمان و شیردهی نجات می‌دهد.

دیدگاه اسلام

در اسلام ازدواج زن و مرد یک عمل و ترتیب فیزیکی با هم دیگر نیست. اما یک قرارداد آزاد است، یک موهبت خدایی است، برای لذت جسمی بردن از همدیگر و ادامه یافتن دودمان و نسل.

والله جعل لكم من انفسكم ازواجاً و جعل لكم من ازواجكم بنین و حفدةً و رزقكم من الطیبات اقبالباطل يؤمنون و بنعلالله هم یكفرون» (نحل / ۷۲)

«خدا برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛

آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟!»

«و من آیاته ان خلق لكم من انفسكم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم مودةً و رحمةً ان فی ذلك لآیاتٍ لقوم یتفکرون» (روم / ۲۱)

«و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این

نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در مورد ازدواج تأکید می‌کند و می‌گوید:

«ازدواج سنت من است و هر کس از سنت من سرباز زند از من نیست.» در حقیقت ازدواج به عنوان نیمی از مذهب توصیف شده است که نیمی دیگر آن تقوا است.

بعضی از پیامبران بدون فرزند بودند از خدا می‌خواستند که به آنها فرزندی بدهد.»

بنابراین فرزند طیب حلال زاده توسط والدین موجه است و هنوز کسی کنترل آن را به رسمیت نشناخته است:

الله «ملك السماوات و الارض یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء انثاً و یهب لمن یشاء الذکور» (شوری / ۴۹)

«مالکیت و حاکمیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست؛ هر چه را بخواهد

می‌آفریند؛ به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر.»

تکنیک‌های زیستی پدر و مادر شدن فقط زمانی که با یک ازدواج بی‌نقص همراه باشد و یا در مواردی که یک ازدواج چشمه یک زندگی است مجاز گردیده و

استفاده از تلقیح مصنوعی در مورد اسپرم شوهر، بارور کردن رحم زن (همسر) یا تست کردن لوله‌ها اجازه داده شده است. مادر خوانده به خاطر دو پرسش

مورد پذیرش نیست:

الف) پرسش در مورد مادر حقیقی

ب) پرسشی در مورد نسل.

«... ما هن امهاتهم ان امهاتهم الا اللائی ولدنهم...» (مجادله / ۲)

«آنان هرگز مادرانشان نیستند؛ مادرانشان تنها کسانی‌اند که آنها را به دنیا آورده‌اند!»

«هو الذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً و صهراً و کان ربك قدیراً» (فرقان / ۵۴)

«و او کسی است که از آب انسانی را آفرید، سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است.»

اسلام رحم را مقدس و مصون شناخته است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء / ۱)

«ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید؛ و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید؛) و نیز (از) قطع رابطه با (خویشاوندان خود پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقبت شماست.»

هرگاه رازی از جهان آشکار می‌شود، رازهای بیشتری در برابر ما خودنمایی می‌کنند. به بیان دیگر، هر چه پیش می‌رویم جهل ما فزون‌تر می‌شود. متخصصان فیزیک اتمی معتقدند که هیچ کس نمی‌تواند مطمئن باشد که لحظه‌ای بعد جهان به همان وضعیتی است که اکنون می‌باشد. هر چند جهان با توجه به قوانین خاصی کار می‌کند اما این قوانین ثابت نیستند و جالبتر اینکه قوانین مزبور وجود مادی و واقعی ندارند. وجود آنها اسمی است و ما آنها را با مشاهده حوادث و پدیده‌های طبیعی کشف می‌کنیم. همچنین، اینکه آنها تا چه حد در خلقت و عمل اشیاء نقش دارند بسیار سؤال برانگیز است. برای مثال: دانشمندان می‌گویند که یک دانه، زمین، هوا و آب، یک درخت را به وجود می‌آورند. اما اینها تنها دلایل به وجود آمدن یک درخت نیستند. به وجود آمدن یک درخت احتیاج به هماهنگی و نسبت دقیق و ارتباط از پیش تعیین شده بین دانه، زمین، هوا و آب دارد. علم همچنین باید شروع این پروسه و تبدیل شدن دانه‌ها به گیاهان مختلف را توضیح دهد. مأموریتی را که علم به انجام می‌رساند تنها توضیح این نکته است که چگونه حوادث اتفاق می‌افتند. علم فکر می‌کند که با نسبت دادن امر مزبور به طبیعت، خود تنظیمی، ضرورت و اتفاق می‌تواند از زیربار توضیح منشأ خلقت، شانه خالی کند.

روشن است که طبیعت یک طرح است نه یک طراح، گیرنده است نه عامل، نوشته است نه نویسنده، فرمان است نه فرمانده، چاپ شده است نه چاپگر، مجموعه‌ای است از قوانینی که به خواسته الهی محقق شده، قوانینی که انسان می‌تواند به آن دست یابد. از خود هیچ گونه قدرت یا وجود مادی ندارند. نسبت دادن خلقت به خود تنظیمی یا ضرورت و اتفاق یک پندار بیهوده است. زیرا ما آشکارا می‌بینیم که خلقت نشان دهنده علم مطلق، حکمت مطلق، اراده مطلق است. خود تنظیمی و ضرورت، تفکراتی فاقد وجود مادی هستند که ما می‌توانیم آنها را به علم، حکمت، اراده و قدرت نسبت دهیم.

منابع

www.consumerhealthreviews.com
www.pride-net.com
www.therionresearch.com
www.ezresult.comw
www.islam-usa.com
www.mcli.dist.maricopa.edu/smc/ml/med-religion-clash-htm
www.leaderu.com
www.mercola.com
www.meta-library.net
www.reshafim.org.il/ad/egypt
www.cis.org.uk
(islam and science page ۱۶۸www.geocities.com/hotsprings/spa/
zimmer.htm ۹۸-۹۰org/asa/topica/evolution/pscf
choi.htm ۰۱.pscf b-۲۰۰۱. org/asa/pscf۳www.asa
www.necip.org.uk/conference.htm
www.sociologyofreligion.com
www.uioua.cdu/hthpsy/article.htm
www.infidels.org/library/omden/gary-posner
www.islamset.com/hip/i-medcin
www.wefound.org
www.hf.uid.no/smi/pao/janson.htm

* مقاله حاضر برداشتی است آزاد از مجموع دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان به ویژه دو استاد ارجمند دکتر حسن غزنوی و دکتر شاهد اثر که در زمینه قرآن و حقایق علوم وجود داشته و به زبان فارسی تدوین و ترجمه شده است.

۱ - رجوع شود به سوره مریم آیه ۲ تا ۷ و سوره انبیا آیات ۸۹ تا ۹۰،
نماز حضرت زکریا و سوره ذاریات آیات ۲۱ تا ۳۹ داستان حضرت ابراهیم و
ساره.